

زندگیمانہ علیرضاعبا

محمد علی - کریمزاده تبریزی

و دیگری نقاش معرفی کرد .
وما می‌توانیم شخصیت شماره ۱ که همانا علیرضای خوش‌نویس باشد کنار گذاشته و برگ مربوط بآن که برگ شماره ۱ باشد از سه برگ موجود قطع نماییم .

و از طرفی باید بدانیم خانم داعی‌زاده در روزگارتو راجع به آقارضا فرزند علی‌اصغر کاشانی که بهند رفته‌است صحبت کرده نه از رضاعباسی .

۳ - شخصیت دوم در مقاله ما همانا آقارضای کاشانی فرزند علی‌اصغر کاشانی نقاش بوده و شرح حال او را قاضی میراحمد منشی قمی در گلستان هنر و اسکندریک در تاریخ خود روایت کرده و هنر او را ستوده است و همانا میدانیم که ولادت او در سال ۹۷۰ بوده و فن مصوری را نزد پدر خود که نقاش استاد بوده آموخته و در بدایت حال مورد توجه شاه‌عباس قرار گرفته و حتی فرمانی درباب عواطف پادشاه به او و عنایت مصور خاصه به آقارضا صادر نموده که شمه‌ای از مراسم شاهانه جهت بزرگداشت آن هنرمند بود و باز می‌خوانیم بعلت اطوار ناهنجار صاحب اعتبار نشد و میل اختلاط با جماعت نامردان و لوندان و تماشای کشتی‌گیران اوقات او را ضایع ساخت در نتیجه این اتفاقات بارسفر بسته و بهندوستان خدمت جلال‌الدین اکبر پیوست و پس از مدتی که اکبر وفات یافت وجهانگیر پادشاه شد (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷) ویرا مشمول عنایت

نوادر دوران میباشد که ما باحوال او چنانچه باید و شاید آگاهی نداریم و حتی اسکندریک که همعصر و همزمان او بوده گویا بعنوان عناد در تاریخ خود اسمی از این هنرمند نبرده است .

در حال اینجانب جهت تفهیم هرچه بیشتر و نمایاندن عقاید خود این تصویر را که عبارت از سه برگ می‌باشد در اینجا بنظر خوانندگان محترم میرسانم .



۱ - علیرضا عباسی خوشنویس دوران شاه‌عباس بزرگ که خط ثلث و نسخ و رقاع و نستعلیق را در نهایت استادی کتابت میکرد و اولین مرتبه خانم زهرا داعی‌زاده در مجله روزگارتو جلد ۵ شماره ۵ مولانا علیرضای تبریزی خوش‌نویس و آقارضا ولد مولانا علی کاشانی را بنام دوهنرمند جداگانه یعنی یکی خوش‌نویس

در شماره ۱۴۹ مجله ارزشمند هنر و مردم در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ آقای دکتر خواجه عبدالرشید استاد هنرشناس و الامقام در مورد سه هنرمند دوران با عظمت صفوی : ۱ - آقارضا ۲ - رضا عباسی ۳ - علیرضا عباسی مطالبی مرقوم داشته‌اند که در شماره ۱۷۳ همان مجله در صفحه ۵۴ آقای رابرت انگ در مورد سه نفر مذکور تحت مدارک و ارائه آثار رضا عباسی و احیاناً رد نظریات آقای خواجه عبدالرشید مطالبی نوشته‌اند که بجا دانستم نظریات خودم را بعنوان یک علاقمند به هنر ایرانی در آن مجله ارزنده منتشر نمایم .

مقدمه

از شرح حال استادان نقاشی در تواریخ و تذکره‌های فارسی شرح مبسوط و مستدلی که روشنگر زندگی و حالات آنها باشد اسناد معتبری را سراغ نداریم و اگر شرح حال مختصری هم از شعرا و ارباب قلم که ندرتاً بعنوان تفنن دست بپنم برده و نگارگری کرده‌اند در این نوشته‌ها می‌بینیم بقدری ، اندک و بی‌مایه است که در مقابل عظمت هنری آنان قطره‌ای در دریا میباشد و یا وقایع زندگی مختصر استادان منحصر بفردی که شهره آفاق بوده و شهرت آنان بخارج از ایران نیز راه یافته است در مقابل شعرا و ادبا بقدری اندک است که ارائه آن جز سرگردانی نیست و رضا عباسی نقاش معجزه‌گر و چهره‌ساز افسون‌کار از این

قرار داد و چون جهانگیر می‌خواست در جلال و شکوه پادشاهی بر شهریار صفوی برتری یابد تشکیلات هنری وسیعی را در اختیار این پدرو پسر هنرمند گذاشت و آقارضا نقاش در بدر و مطرود با پی گیری مداوم و بسط و تلفیق هنر صفوی خود که از ایران بارمغان برده بود صاحب مکتب هنری ممتازی شد که سالیان دراز با کمال استواری و قدرت در هند اشاعه داشت.

او که قبل از سال ۱۰۰۸ یعنی دوره سلطنت جلال‌الدین اکبر و ولیعهدی سلطان سلیم بهند آمده و در سال ۱۰۳۰ بنا بگفته و تثبیت آن در یکی از آثار خود در یکی از صفحات ضمائم مرقع گلشن (در سن ۶۰ سالگی ساخته شد سنه ۱۰۳۰ عمل مرید با خلاص آقارضا جهانگیر پادشاهی) خود را شصت ساله خوانده است هنرمندی وارسته و صاحب عناوین ممتاز هنری بود و در همین زمانها بود که بگفته جهانگیر در تزوگ :

(در این تاریخ (۱۰۲۷) ابوالحسن مصور بخطاب نادر زمانی سرافراز گشت و مجلس جلوس مرا در دیباچه جهانگیر نامه کشیده بنظر در آورد و موجب الطاف بی‌کران گشت) فرزندش ابوالحسن بلقب نادر زمانی مفتخر گردید.

پس بنا نوشته آقارضا تاریخ ولادت او سال ۹۷۰ بوده و اگر تاریخ حرکت او و فرزندش را به هندوستان یک سال قبل از خلق این اثر که در یکی از صفحات مرقع گلشن کتابخانه سلطنتی ایران موجود بوده و چنین رقم دارد (غلام به‌اخلاص شاه سلیم آقارضای مصور فی تاریخ رمضان ۱۰۰۸) بدانیم سال ورود او بهند در سال ۱۰۰۷ محرز خواهد شد و اگر فرزند همراهش ۱۲ ساله باشد خود پدر یعنی آقارضا ۳۷ ساله خواهد بود و این سن متعادل برای خلق یک اثر هنری ممتاز می‌باشد. اکنون بذکر چند نمونه از شاهکارهای

نقاشی آقارضا - یا رضا مصور کاشانی - یا بقول جهانگیر در تزوگ آقارضا مصور هروی یا هراتی و فرزند نامدارش که در سال ۱۰۲۷ از طرف جهانگیر بلقب نادر زمانی ملقب گشته است می‌پردازیم .

- ۱ - یک مرقع شامل تصاویر در بوستون امریکا .
- ۲ - کتاب انوار سهیلی موزه بریتانیا تاریخ کتاب بروایتی ۱۰۱۹ برای جهانگیر شاه که دو نقاشی آن برقم آقارضا بوده و بقیه بنامهای - موهان - عبدالسلیم - رحمان قلی - گوهر داس می‌باشد .
- ۳ - نسخه‌ای از حافظ در موزه بریتانیا دارای هشت تصویر بتاریخ اتمام ۱۰۱۷ .
- ۴ - خمسه امیر خسرو دهلوی در کتابخانه ملی پروس برلین و قطعات متنوع دیگر از جمله در مرقع گلشن بتاریخ ۱۰۰۸
- ۵ - دو مینیاتور زیبا در موزه هنرهای

شکل ۱



عباسی رقم میزده و البته بعقیده و تحقیق تمام کارشناسان هنری بازشناختن امضای اصیل او کاری بسیار دقیق و دشوار بوده که شناسائی و بازخوانی آن برای هر کسی میسر نمی‌باشد.

از طرفی بطوریکه در اول مقاله نیز یادآوری نمودیم شرح حال خصوصی او در هیچ تاریخ و تذکره زمان وی موجود نبوده و بنا بنوشته مجله معارف اسلامی در شماره ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۵۰ نزدیکترین منبع تاریخی به عهد رضا عباسی کتاب چاپ نشده‌ای بنام (لب‌خلاصة العلوم) تألیف میرزا محمد کرمانی در اواخر زندیه است که بصراحت از نقاشی بنام رضا عباسی در ردیف سایر هنرمندان عصر صفوی نام برده است.

اما در مورد تاریخ تولد او در سال ۹۹۵ و یا ۵۵ یا ۶۰ ساله بودن او هنگام اهداء يك اثر نقاشی به محمد شفیع هیچگونه مدرک تاریخی دال بر صحت این نوشته‌ها نداریم ولی بنا بنوشته معینی مصور در حاشیه یکی از کارهای تکمیلی رضا عباسی بسال ۱۰۸۷ تاریخ مرگ او را در سال ۱۰۴۴ درج نموده است.

اکنون که مرگ او در تاریخ ۱۰۴۴ مسلم شد باید مفتاح دیگری را جهت تاریخ تولد او کشف نمائیم تا سن واقعی او معلوم گردد.

برای این مفتاح اثر تاریخی دار معتبری که هم از لحاظ هنر نقاشی رضا عباسی و هم از لحاظ خط و شیوه امضا او شایسته این هنرمند باشد بغیر از اثر سال ۱۰۰۷ که در مشهد و در خدمت یاران ساخته است، اثر با ارزش دیگری سراغ نداریم.

بنابراین می‌توانیم برای این اثر ارزش‌های زیر را در نظر بگیریم.

۱- اثر نقاشی و امضاء اصیل بوده و از آن رضا عباسی است.

۲- در زمان خلق این اثر نقاش ۲۰ ساله یا ۲۵ ساله بوده است که سیلاب خط و پختگی آن بخط شکسته و با قلم نی



شکل ۲

خود این کتیبه را می‌نوشت پس بدین ترتیب ما اجازه خواهیم داشت برگ شماره ۲ که بنام آقارضا نقاش کاشانی یا بگفته جهانگیر در تروک هراتی یا هروی که بارقام مختلف آقارضا - آقا محمد رضا - محمد رضا نوشته شده و دنبال آن عناوین مرید پادشاهی یا مرید باخلاص دیده میشود و خطاط هم نبوده و در سال ۱۰۰۷ بهند رفته و در سال ۱۰۳۰ ۶۰ ساله بوده است کنار بگذاریم.

حال می‌پردازیم به اصل مطلب که همانا سرگذشت و شناسائی دقیق هنری رضا عباسی است و نتیجه میگیریم که رضا عباسی در آثار مشهور شناخته شده خود قبل از سال ۱۰۲۰ رضا و بعد از آن رضا

تربینی تهران که در پائین یکی از آنها رقم دارد (عمل غلام با اخلاص آقارضا مصور جهانگیرشاهی) اینها اثرات هنری آقارضا بوده که تاکنون برای ما روشن و معلوم بوده و ما آنها را می‌شناسیم.

و از طرفی میدانیم که جهانگیر بر قایت از پادشاهان صفوی پس از استقرار در تخت شاهی راه خود را عوض کرده و روش تصویری تقلیدی از ایرانیان را کنار گذاشته و به ساختن تصاویر جدا جدا فرمان داده است.

و آثاری از این دوره نیز بدست داریم که آقارضا همیشه خود را (مرید با اخلاص) و پسرش نادر الزمان (مرید زادهای با اخلاص ابوالحسن) معرفی کرده و رقم گذاشته‌اند. حال ما توانستیم تا حدی آقارضا مصور کاشانی را معرفی نمائیم.

اما بفرمائید آقای دکتر عبدالرشید که مرقوم داشته‌اند (آقارضا نقاش و خوش نویس بوده) من اثری از خوشنویسی آقارضا تاکنون ندیده‌ام در صورتیکه ما دانستیم در بدایت حال با لوندان معاشرت کرده و بنمایش کشتی علاقه داشته است اگر او خوشنویس بود در تواریخ و یا آثار او مختصر اشارتی میرفت چون خوشنویسی در آن زمان از صنایع ممتاز منداول بوده و در یخ می‌شد نقاشی که این قدر مشهور بوده و خوشنویسی هم میکرده از قلم افتاده باشد از طرفی بنا بروایت استاد بزرگوار مرحوم دکتر مهدی بیانی که می‌فرماید بر سر در باغ خسرو از باغهای سلطنتی قدیم الله‌آباد هند کتیبه‌ای بخط نستعلیق هست که نوشته (حسب الحکم شاهنشاه جهان نورالدین محمد جهانگیر باهتتام مرید باخلاص آقارضا مصور این بنا عالی صورت اتمام پذیرفت) این خط بدست عبدالله ترمذی که در دربار اکبر و جهانگیر شاه لقب مشکین قلم گرفته و همیشه عبدالله مشکین قلم رقم میزده نوشته شده است.

و اگر آقارضا خطاط یا خوشنویس بود و در این رشته کمال و عنوانی داشت

معرف اصالت می‌باشد .

۳ - احتمال دارد امضای آن پس از مدت ۱۰ یا ۱۵ سال بدست خود هنرمند و زمان ترسیم کتابت شده باشد. اگر با دوراندیشی خلق این اثر را زمان ۲۰ سالگی هنرمند بدانیم می‌توانیم تاریخ تولد او را سال ۹۸۷. انتخاب کرده و زمان مرگ او را بسال ۱۰۴۴ و در ۵۷ سالگی بدانیم .

اما در مورد آثار اصیل و امضاءهای صحیح و مجعول او رشته صحبت دراز بوده و ما می‌توانیم باختصار و با دلایل مستدل و منطقی آنها را تشریح نموده و خدمت علاقمندان گرامی عرضه نماییم .

پرواضح است تاکنون بحروف اصلی و اسکلت امضاء و تمایل و کشش خط و نکات مشخصه خط‌نگاری رضا عباسی که خوشبختانه امضای او دارای همین مشخصات می‌باشد توجهی نشده و همه هنرشناسان تمام جوانب را روی هنرنقاشی او متمرکز کرده و روی خط و امضای او چندان تعمق کافی مبذول نداشته‌اند.

چون این حقیر مدت سی سال است باخط و کتابت محشور و دمساز بوده و اغلب آثار نفیس و اصیل نقاشان و خطاطان بنام ایرانی‌را از نزدیک دیده و شناسائی کرده‌ام و چه بسا که آثار ارزنده آن هنرمندان نیز جزو مجموعه اینجانب می‌باشد باید عرض کنم که خط و امضاشناسی این ممتازان هنر را باید با سبک و اصول‌شناسی هنر ایشان توأم دانسته و متعاقباً جهت تشخیص ارزش هنری يك اثر ارزنده بکار بگیریم .

با يك نظر به مجموعه آثار هنسری و امضاهای اصیل و فراوان رضا عباسی بتحقیق درمی‌یابیم که او در آثار خود بدوشکل امضاء نموده و هنر خود را تسجیل نموده است .

۱ - در ایران منحصرأ اثر این خطاط (کتابه‌الحقیر عبدالله مشکین قلم‌الحسینی غفر دنویه سنه ۱۰۱۱) منحصرأ در اختیار مجموعه نویسنده مقاله می‌باشد.



شکل ۳

اول از اسم رصا شروع میکنیم خواننده آن گرامر در تمام اثر بر رصا عدسی ۲۰ رصا عدسی را در هر کج

شماره کرده و شمارش باید شد ^{رصد} صاء ^{رصد} صاء ^{رصد} صاء ^{رصد} صاء ^{رصد} صاء

یا رقم یک صاء ^{یا رقم یک صاء} یا رقم یک صاء ^{یا رقم یک صاء} یا رقم یک صاء ^{یا رقم یک صاء} یا رقم یک صاء ^{یا رقم یک صاء}

یا با رقم یک صاء ^{یا با رقم یک صاء} یا با رقم یک صاء ^{یا با رقم یک صاء} یا با رقم یک صاء ^{یا با رقم یک صاء} یا با رقم یک صاء ^{یا با رقم یک صاء}

در اینجا ما بجز رصا معلوم کنیم که رقم رصا عدسی با با رقم روی نقاشی یا با رقم در کلمات مستقیم یا شسته عدس
کتاب شده و این من بر اصول شناسی آن واقف هستیم و در تراتب در شناسی رصا عدسی او
و کاشی که نظر بر سیرت بر من علامت نام محرم باشد

۱ رصا عدسی اسم خود را سر لغت سفایی (صاء) نوشته در حروف ^{سر} سر ^{شسته} شسته در هر ^{سر} سر

محمی شده و الف در از تر از حد معمول کشیده شده و بجز در بصر در آخر اسم دیده می شود

۲ زیر اغلب حروف ^{سر} سر ^{نقطه} نقطه ^{بگیرد} بگیرد ^{سر} سر (پس طالع القراء) (با تمام رسید «ه قوه») (این مجله در «قوه»

و حکیم شپاء - انوک - استاد چری - بیستم - در شاهد تعدیک پخته ^{بلا} بلا ^{دق} دق ^{عس} عس ^{عس} عس

۳ در با هر اسم همیشه ^{هو} هو ^{گذاشته} گذاشته ^{در} در ^{زیر} زیر ^{رقم} رقم ^{و بعضی} و بعضی ^{خود} خود ^{عدد} عدد ^۵ ۵ ^{را} را ^{در} در ^{نظر} نظر ^{گرفته} گرفته ^{است} است ^{البته} البته ^{من} من ^{از} از ^{در} در

عدد ^۵ ۵ ^{حیرت} حیرت ^{فهمید} فهمید ^{و صواب} و صواب ^{عصر} عصر ^{است} است ^{بخط} بخط ^{زبان} زبان ^{و لغات} و لغات ^{هو} هو ^۵ ۵ ^{را} را ^{که} که ^{بجز} بجز ^{یک} یک ^{در} در ^{همان} همان ^۵ ۵

باید انتخاب کرده است

اول - امضای خود را با همان قلم موئی که نقاشی کرده رقم زده است این امضاها اغلب ساده مثل مشقه رضا یا رضا مصور یا رضاء عباسی - یا کمینه رضا عباسی بوده و از نوک قلم موئی که با موی سنجاب یا موی دم گربه که فوق العاده نرم و نازک و حساس می باشد تراوش کرده و بوسیله چابک دستی مثل رضای عباسی رقم شده است که بالطبع اقتباس و جعل این امضاء فوق العاده مشکل و شاید محال باشد و امضاهای جعلی از این قبیل نیز در دید اول بر متخصصین واضح و آشکار می گردد .

دوم - امضاهائی که با قلم نی و بطریق غبار خط نستعلیق یا شکسته نوشته شده و این قبیل نوشتن ها در مورد آثاری است که نقاش خواسته بنام یک نفر از رجال یادوست یا پادشاه عصر رقم زده و موضوع نقاشی را بمناسبتی تشریح کند که این خطوط نیز بتناسب خط نستعلیق خوش یا شکسته معمولی می باشد .

و اغلب این تفاسیر در آثار او بعد از سال ۱۰۲۰ دیده می شود که بلقب عباسی مفتخر گشته است و بهترین نمونه خط نستعلیق او امضای صورت درویش بهشتی همدانی محفوظ در مرقعات سلطنتی ایران بوده که چنین کتابت شده است : (هو صورت درویش بهشتی همدانی غره جمیدی الاول سنه ۱۰۳۴ به اتمام رسید رقم کمینه رضا عباسی) و رقم های خوب یا بد با قلم موئی و یا خط نستعلیق و یا شکسته و سایر رموز را بمرور در صفحات بعدی برای خوانندگان گرامی عرضه خواهیم کرد ولی چون ترسیم بعضی رموز در حروف چینی میسر نبود مجبور شدم با خط خود بنویسم که برای چاپ سهل گردد. (صفحه مقابل) امیدوارم از بدی خط و نارسائی سخن در این مورد معذورم خواهید داشت .

۴ - تمام نوشته های او بغیر از چند اثر که بخط خوش نستعلیق رقم زده و (در بین آنها چندین رقم نیز اصیل نمی باشد) اصولاً بخط شکسته مخصوص

خود می باشد مثلاً حرفی را همیشه کشیده نوشته و حروف س و ش در اغلب رقم ها بدون دندانه است و کلمه کمینه کشیده بوده و حرف ه مثل کلمه غره یا ذی قعدہ بحرف ماقبل خود چسبیده و کلمه ش همیشه بسیاق خط شکسته نوشته شده است و تشدید عباسی روی ب مطلقاً روی امضا های اصیل دیده نمی شود .

در هر حال نظر از گفتار ما این بود که رضا عباسی تمام آثار خود را قبل از ملقب شدن به عباسی رضا و بعد از سال ۱۰۲۰ بلقب رضا عباسی امضاء کرده است رقم های قبل از سال ۱۰۲۰ اصیل که بنظر این جانب رسیده است ذیلاً عرض میشود .

۱ - رقم رضا مصور شکل درویش پیری که پیاله شراب را بجوان سرمست تعارف می کند. مضبوط در مرقعات سلطنتی ایران .

۲ - رقم مشقه رضا شکل یک مرد شاخ بزی را گرفته گویا بزاج کشیده باشد و یا شخصی را بطنر آلوده باشد نوشته شده در کتاب اصفهان ص ۶۶ نوشته آنتونی ولجش شماره ۱ .

۳ - راقمه رضا شکل جوان تسبیح بدست در ص ۳۱ کتاب اصفهان نوشته آنتونی ولج که مهر مالک بنام عبده ابوطالب دارد شکل شماره ۲ .

این بود نمونه های از اسم های رضا که اصیل بوده و قبل از سال ۱۰۲۰ ترسیم شده است و نقاشی هائی که بنام آقا رضا بوده مطلقاً از رضا عباسی نبوده و از کارهای ایرانی زمان شاه عباس و اثر آقا رضا کاشانی است که در سال ۱۰۰۷ بهند رفته است و دو نمونه بارزان در گالری کلناتی سال گذشته بفروش رفته است . اما آثار اصیل و امضای صحیح رضا عباسی چگونه بوده است .

ما دو نمونه از آثار اصیل و تاریخ دار رضا عباسی را که سال ترسیم یکی از آنها ۱۰۲۰ بوده و تاریخ اثر رقم دار دیگر بتاریخ ۱۰۴۴ یعنی آخرین سال های عمر

هنرمند می باشد جهت علاقمندان عرضه می کنیم .

پرواضح است که فعالیت هنری و خلق شاهکارهای بی نظیر رضا عباسی در این سالها جلوه گر شده و وجود یادگارهای ارزنده و بی همتای او در این سنوات مؤید گفتار ما می باشد شکل ۳ و شکل ۴ و در بین این سالها است که تراوشات و خلاقیت اساسی هنر او نمایان شده و دنیائی را از اصالت هنر خود تسخیر کرده است و در انتهای هر اثر گرانبها بدون استثناء این گرانبهای هنرمند ما نام خود را با فروتنی و تواضع کمینه رضا عباسی خوانده است . از طرفی دوائر دیگر یکی در سال ۱۰۱۱ با رقم کمینه رضا عباسی دختری را در حال ادب و دودست روی زانو نشان میدهد و امضاء آن بخط نستعلیق زیبا می باشد و در کتاب روسی چاپ مسکو شماره نقاشی ۶۱ که در سال ۱۹۶۸ منتشر شده و دیگری جوانی پیاله بدست بتاریخ ۱۰۱۹ با رقم کمینه رضا عباسی شماره نقاشی ۳۰ از نشریات موزه ویکتوریا و آلبرت بکوشش ب - و - را بین سون موجود بوده و تاریخ امضای آنها قبل از سال ۱۰۲۰ می باشد بنظر بنده امضاء و تاریخ هر دو اثر مذکور و احیاناً خود نقاشی ها نیز از آن رضا عباسی نبوده و رقم آنها ساختگی است زیرا امضای آن بخط نستعلیق زیبا و استادانه بوده و از رضا عباسی کتابت این گونه خط بعید بنظر میرسد و شما می توانید متعاقب شکل ۳ و ۴ دوائر نفیس و اصیل آنرا در این مجله که بشماره ۵ و ۶ چاپ شده است به امضاء و نگارگری او آشنائی پیدا کنید از طرفی خطوط نوشته شده در حاشیه نقاشی های مزبور وضبط کلمه هو در قسمت بالا و عدد ۵ در قسمت پائین نوشته ها از خطوط معمولی و متداول رضا عباسی بوده که در تمام اثرات هنری وی جلب توجه مینماید .

حال با ارائه چهار اثر اصیل که چاپ آنها در این شماره بنظر خوانندگان محترم رسید بهتر است نقاشی هائیکه برقم



شکل ۴



شکل ۵

مجموع امضاء گذاری شده و خلق آنها بتاریخ بعد از مرگ رضا عباسی (سال ۱۰۴۴) بدست افراد ناشی و نادان که از حیات و مرگ او اطلاعی نداشته‌اند نسبت داده شده و بمناسبتی در مجلات و نشریه‌ها جزو کارهای اصیل قلمداد شده است. مختصر اشارتی بکنیم و آنها عبارتند از:

۱ - نقاشی پیرمردی خوابیده بارقم آقارضا بتاریخ ۱۰۴۹ .

۲ - شخص سواری تیری بطرف گرگ‌ها می‌اندازد نوشته - مشق شد سال ۱۰۵۲ .

۳ - سوار جنگی بتاریخ ۱۰۵۲ و ایضاً يك نقاشی دیگر در سال ۱۰۴۸ که نام پدر رضا عباسی را بنام محمد نامبرده است .

۴ - نقاشی درویش عصا بدست بارقم بنده در گاه آبرنگ نمود سال ۱۰۵۰ .

۵ - خانه ایلری شفیعا صورت يك جوان بتاریخ ۱۰۴۷ .

حال ما می‌توانیم درمقابل نظریات استادان گرامی آقایان دکتر عبدالرشید و رابرت انگ که فرمایشات آنها در مجله هنر و مردم شماره ۱۴۹ اسفند ماه سال ۱۳۵۳ و شماره ۱۷۳ اسفند ماه سال ۲۵۳۵ چاپ شده است عقیده خود را باختصار بیان نمائیم . ناگفته نماند ، تمام نظریات خود را روی ۸ تصویریکه در مجله هنر و مردم شماره ۱۷۳ بنوشته آقای رابرت انگ می‌باشد متمرکز کرده‌ایم .

ابتدا از تصویر شماره ۱ صحبت کرده وبا اشاره به مراحل تشبیهاتی خط و امضاء رضا عباسی که در صفحات قبل ارائه شده است خود تصویر و امضاء و مطالب نوشته شده مطلقاً اصیل نبوده و هم امضا و هم تصویر جعلی می‌باشد منتهی شخص مجعول مطالب تصویر شماره ۲ را در جائی دیده و از روی آن با تردستی نقاشی و خط را جعل نموده است.

۲ - تصویر شماره ۲ که مردی سر خود را می‌بخاراند و در مشهد بسال ۱۰۰۷ بوسیله رضا عباسی نقاشی شده است هم



امضاء و هم اصل تصویر اصالت داشته و جای هیچ شبهه باقی نمی ماند و چه بسا ممکن است امضا در تاریخ آن بعد از ۱۰ یا ۱۲ سال منتهی قبل از تصاحب لقب عباسی نقاش کار خود را دیده و بخواهدش و اسرار دوستان با امضای خود آن را تسجیل کرده است.

و اگر بتصویر شماره ۶ که در این شماره چاپ شده است دقت فرمائید مراحل تشبیهی هر دو خط رضا عباسی برای علاقمندان مشهود خواهد شد.

۳ - تصویر شماره ۳ که نوشته (رقم کار رضا عباسی) بنظم جاعل ناشی عقیده خود را بیان داشته و بسادگی در زیر تصویر رقم زده است و با مراجعه به علائم خط رضا عباسی درمی یابیم که این خط اصیل نبوده و نظر نویسنده این بوده که (رقم کار رضا عباسی است) و در نتیجه کلمه (است) را از قلم انداخته است و در مورد خود تصویر نیز باید اذعان داشت این کار سبک و بی پیرایه کار رضا عباسی نیست.

۴ - تصویر شماره ۴ هم نقاشی و هم امضاء آن رقم رضا عباسی بوده و تمام علائم و حرکات رضا عباسی در آن مشهود و آشکار می باشد و رقم و امضای آن نیز بقلم نی و خط شکسته رضا عباسی بوده و همه علائم و مشخصات که در صفحات قبل تشریح شد با این نقاشی و امضاء او مطابقت کامل دارد.

۵ - تصویر شماره ۵ نقاشی و امضاء آن از همان قماش نقاشی های شماره ۱ و ۳ و ۵ بوده و تمام این اثرها خلق یک جاعل است که از روی نقاشی های اصیل رضا عباسی کپی کرده و به امضاء ناشیانه رضا عباسی رقم زده است.

۶ - تصویر شماره ۶ نیز عین سایر نقاشی های ساختگی مخدوش بوده امضاء و تاریخ ترسیم آن صحیح بنظر نمی رسد.

۷ - در مورد تصویر شماره ۷ که رقم کمینه رضا عباسی بتاریخ ۱۰۱۹ دارد و از او در صفحات قبل صحبت شده است بنظر بنده رقم رضا عباسی که در نهایت استادی و بخت نستعلیق زیبا نوشته شده و اولین مرتبه تشدید عباسی روی حرف (ب) بوضوح دیده میشود خالی از اشکال نبوده و مطلقاً خط رضا عباسی نمی تواند باشد و ضمناً حالت تصویر با علائم و مسیر دورانی هنر خلاقه رضا که بیننده را در مرحله اول مات و مبهوت مینماید وفق نداشته و غیراصیل بنظر میرسد.

۸ - نقاشی شماره ۸ که با امضای آقا رضا جلب نظر میکند شاید از کارهای اوایل آقا رضا کاشانی بوده و در دو صفحه ترسیم شده باشد و تصویر شماره ۷ موجود در موزه فیتز ویلیام تصویر مجدد یک موضوع واحدی بوده که بدست مقلدی توانا و با امضاء برتر رضا عباسی کتابت شده باشد.

حال که صحبت ما در مورد رضا عباسی پایان گرفت بسیار بجا خواهد بود که گفتاری در مورد محمد شفیع عباسی که با شتاب او را فرزند رضا عباسی میدانند داشته باشیم.

بگفته بعضی استادان هنرشناس و علاقمندان هنری از جمله بنا بفرمایش آقای رابرت انگ در صفحه ۵۹ شماره ۱۷۳ مجله هنر و مردم که نوشته ای را به مضمون زیر (این دسته از نقاشی ها در جمعه اول جمادی الاولی - ۲۰ مارس ۱۶۵۴ - روز سال آقا رضا رحمته الله توسط حقیر شفیع عباسی کشیده شد) ارائه داده و بکتابت یک سند دیگر که در کتابخانه ملی پاریس در حاشیه

یک اثر رضا عباسی که قید شده (به نتیجه محمد شفیع اهدا شد) اتکاء نموده اند و بجهاتی او را فرزند رضا عباسی خوانده اند یادآور می گردد که بنا بعقیده اینجانب و دلایل زیر محمد شفیع عباسی نمی تواند فرزند رضا باشد و چه بسا ممکن است از شاگردان و یا علاقمندان مکتب او بوده و احترام و مقام او را در حد یک دوست یا استاد پذیرفته باشد زیرا نام بردن ساده و کم عیار نام استادی بی همتا چون رضا عباسی و احیاناً نام پدر مشهور و هنرمند خود که در آن زمان صاحب القاب والا و ممتازی بوده و بتقرب شاهنشاه صفوی مفتخر بوده است با لفظ بی پیرایه و معمولی زمان (آقا رضا رحمته الله) را نمیشود از یک فرزند که احیاناً شاگرد مکتب پدر نیز بوده است پذیرفت زیرا معین مصور که استادی هم طراز رضا عباسی بوده در حاشیه کار تکمیلی خود او را بهتر از فرزند واهی خود ستوده و چنین نوشته است (شبهه مرحمت و مغفرت پناهی مرحومی جنت مکانی استادم رضا مصور عباسی علیه الرحمه).

پس بدین قرائن می شود پنداشت که محمد شفیع فرزند رضا عباسی نبوده و شاید نتیجه کار و هنر او باشد که نوشته به (نتیجه محمد شفیع اهدا شد) یعنی کار و کوشش هنری من - شاگرد من - دست پرورده پرکار من.

زیرا میدانیم نه رضا عباسی بصراحت از او بعنوان فرزند خود نامبرده و نه محمد شفیع او را در حد یک پدر واقعی ستوده و باین نام خوانده است این بود مختصری از عقاید و نظریات حقیر در مورد شرح احوال و عظمت هنری پر افتخار رضا عباسی.